



الزامات ژئوآکونومیک جمهوری اسلامی ایران در تدوین رژیم حقوقی دریای خزر

اهمیت منطقه خزر برای ایران به دلیل موقعیت ژئوآکونومیک آن است که بیش از هر چیز به ذخایر انرژی آن بازمی‌گردد. از آنجایی که سه کشور قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان، قاره‌ای بوده و دسترسی مستقیم به دریاهای

به گزارش آران نیوز: طی چند سال اخیر در خصوص مالکیت ایران بر دریای خزر بحث‌های زیادی مطرح شده و از آنجایی که کشورهای ساحلی دریا خزر تاکنون به یک توافق جامع در خصوص رژیم حقوقی دریا خزر دست نیافته‌اند، مطابق اصول و قواعد حقوق بین‌المللی می‌توان گفت تا زمان محقق شدن رژیم حقوقی جدید، نظام حقوقی این پهنه آبی باید بر اساس قراردادهای سال 1921 و 1940 باشد.

دکتر ظریف در آغاز چهل و هفتمین اجلاس گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر اظهار داشت:

«در سایه اراده مثبت رهبران کشورهای ساحلی و فضای دوستانه و سازنده حاکم بر این نشست‌ها، مباحث مربوط به دریای خزر پیشرفت‌های خوب و ملموسی داشته است. برگزاری منظم اجلاس‌های متعدد در سطوح مختلف، بیانگر اراده دولت‌ها و ملت‌های کشورهای ساحلی برای همسوئی بیشتر است. امیدوارم با تداوم این گرایش و روند، بتوانیم در تاریخ مقرر اجلاس‌های نوبتی وزرای خارجه و روسای جمهور را با موفقیت کامل برگزار کنیم و به نهائی شدن رژیم حقوقی، نزدیک‌تر شویم» [1]

1-1- موقعیت ژئوپولیتیک دریای خزر و کشورهای ساحلی

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی باعث تغییرات ژئوپولیتیک و جانشینی چهار کشور جدا و مستقل در حاشیه دریای خزر شد. دریای خزر به‌عنوان بزرگ‌ترین دریاچه‌ی جهان در شمال کشور جمهوری اسلامی ایران و بین پنج کشور ساحلی آن یعنی ایران، جمهوری ترکمنستان، جمهوری قزاقستان، فدراسیون روسیه و جمهوری آذربایجان محصور است و با افزایش تعداد کشورهای ساحلی در پی فروپاشی شوروی دیدگاه‌ها و نظرات متفاوتی راجع به رژیم حقوقی حاکم بر دریای خزر مطرح شده است.

دریای خزر با وسعت 370/000 کیلومترمربع بزرگ‌ترین دریاچه‌ی جهان در سرزمین آسیا و اروپا در شمال ایران و در محل تلاقی آسیای مرکزی، قفقاز و ایران واقع شده است. مجموع طول ساحل دریای خزر 6380 کیلومتر است که در اختیار پنج کشور ساحلی ذکر شده قرار دارد. این دریا یکی از مناطق مهم تولید نفت و گاز طبیعی جهان محسوب می‌شود و ذخایر این منطقه بعد از خلیج فارس می‌تواند منبع بادوامی در طول 40 سال برای جمهوری اسلامی ایران آینده باشد و همچنین کشتیرانی و ماهیگیری (علی‌الخصوص خاویار) از دیگر منابع اقتصادی این دریاست. اهمیت منطقه خزر برای ایران به دلیل موقعیت ژئوآکونومیک آن است که بیش از هر چیز به ذخایر انرژی آن بازمی‌گردد. [2] از آنجایی که سه کشور قزاقستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان، قاره‌ای هستند و دسترسی مستقیم به دریاهای آزاد ندارند، همکاری منطقه‌ای در حوزه‌ی ترانزیت، انرژی و غیره با ایران و روسیه ضروری است. ایران تا قبل از قرن هیجدهم میلادی صاحب بلامنازع بخش عظیمی از دریای مازندران بوده است؛ اما پس از روی کار آمدن تزارها و تحمیل عهدنامه‌های ننگین ترکمانچای و گلستان مساحتی که تحت کنترل ایران و منافع ایران در دریای خزر به تدریج کاهش یافت. با تجزیه اتحاد جماهیر شوروی در سال 1991 ایران فرصتی را به دست آورد تا نسبت به حقوق از دست‌رفته خود در دریای خزر ادعای حق و منافع ملی‌اش را در دریای خزر تأمین کند. موضع ایران مانند روسیه تأکید بر روی قراردادهای 1982 و 1940 بود که همه دولت‌های ساحلی از دریای خزر به‌طور مشترک استفاده نمایند. ایران هم‌اکنون در مرکز 75 درصد از منابع انرژی جهان، بین حوزه خلیج فارس و حوزه دریای خزر قرار گرفته و این موقعیت فوق‌العاده استراتژیک و ژئوپولیتیکی اگر همراه با مدیریت صحیح از سوی مسئولین ذیربط باشد، می‌تواند جمهوری اسلامی ایران را به یکی از قطب‌های قدرت در جهان تبدیل نماید. در واقع، قرارگرفتن ایران در این مرکز حساس، امنیت این کشور را با امنیت منطقه و جهان پیوند داده است و قدرت‌های جهانی نمی‌توانند به راحتی ایران را نادیده گرفته و مزاحمت‌های امنیتی حاد برایش فراهم نمایند؛ اما عبور لوله‌های نفت و گاز حوضه دریای خزر از راهی به‌جز ایران شدیداً موقعیت ژئوپولیتیکی آن را به خطر می‌اندازد و در درازمدت می‌تواند نقش و تأثیرگذاری ایران در معادلات نفتی و اقتصادی جهان را کاهش دهد.

الزامات ژئوآکونومیک جمهوری اسلامی ایران در تدوین رژیم حقوقی دریای خزر

شکل 1 دریای خزر و کشورهای پیرامون آن [3]

اولین گام اساسی در مذاکرات مربوط به دریای خزر در دوران پس از فروپاشی شوروی، اقدام ایران برای برگزاری اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر در حاشیه‌ی اجلاس سران اکو در تهران در 29 بهمن 1370 (17 فوریه 1991) بود. در نتیجه‌ی این اجلاس که با حضور روسای جمهور اسلامی ایران و ترکمنستان، کفیل ریاست جمهوری آذربایجان، معاون نخست‌وزیر قزاقستان و سفیر روسیه در تهران تشکیل شد، بیانیه‌ای صادر و در آن بر لزوم تشکیل سازمان همکاری دولت‌های ساحلی دریای خزر تأکید شد. همچنین تشکیل کمیته‌های پنجگانه‌ی همکاری به شرح زیر پیش‌بینی شد:

1- کمیته‌ی رژیم حقوقی دریای خزر

2- کمیته‌ی تحقیقاتی علمی و کنترل نوسانات آب دریای خزر

3- کمیته‌ی حمل‌ونقل

4- کمیته‌ی ماهیگیری، تحت عنوان کمیته‌ی منابع بیولوژیک دریای خزر

5- کمیته‌ی حفاظت محیط‌زیست دریای خزر

مطابق مفاد مواد 55 تا 76 کنوانسیون 1982 حقوق دریاها، دریاها و دریاچه‌هایی که محاط میان دو یا چند کشور باشند، از جمله آب‌های داخلی محسوب می‌شوند منوط به اینکه به دریاهای آزاد راهی نداشته باشند. این ماده تبعاتی دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود:

1 - در دریاهای بسته، آزادی دریانوردی وجود ندارد و قاعده عبور بی‌ضرر کشتی‌ها مصداق پیدا نمی‌کند. البته این قاعده استثنائاتی هم دارد که عبارت است از مواردی که عهدنامه‌های بین کشورهای ساحلی، راهکارهای دیگری را پیش‌بینی کرده و یا آزادی دریانوردی کشتی‌های دولت ثالث در آن دریا، عرف محسوب شود. همچنین اگر دولت‌های ساحلی در قبال عبور بی‌ضرر کشتی‌های دولت ثالث، سکوت اختیار کرده باشند. آزادی عبور کشتی‌های جنگی در زمان صلح نیز اگر به صورت اعطای یک امتیاز باشد، از موارد استثنا به شمار می‌رود.

2 - رژیم حقوقی حاکم بر این دریاها و تعیین مرزهای آن تابع معاهدات دولت‌های ساحلی است. در صورت اعمال حق تصرف توسط یکی از دولت‌ها و عدم اعتراض دیگری به آن، برای آن دولت حق اعمال حاکمیت به وجود می‌آید.

3 - حق انحصاری ماهی‌گیری و استفاده از منابع دیگر مثل نفت، فقط برای دولت‌های ساحلی وجود دارد و کشورهای غیر ساحلی حق چنین بهره‌برداری‌ها را ندارند.

4 - اعمال حاکمیت بر آن آب‌ها نیز حق انحصاری دولت‌های ساحلی است، زیرا این آب‌ها، آب‌های آزاد نیستند و فقط دولت‌های ساحلی حق اعمال حاکمیت دارند.

1-2- بهره‌برداری از حوزه دریای خزر

تدوین نظام حقوقی دریای خزر به سال‌ها پیش‌برمی‌گردد. تحولات این نظام حقوقی را می‌توان در دو دوره بررسی نمود، دوره اول مربوط می‌شود به دوره تزارها که دریای خزر پیش از ظهور پترکبیر در صحنه سیاسی روسیه در سال‌های 1725-1682 میلادی یک دریای ایرانی بوده است. دوره دوم وضعیت حقوقی بعد از انقلاب اکتبر که متعاقب پیروزی انقلاب روسیه و فعالیت مخالفان انقلاب کمونیستی در کشورهای خارجی بوده است. حاصل این تحول انعقاد دو عهدنامه مودت 1921 و دیگر قرارداد بازرگانی و دریانوردی 1940 میان ایران و اتحاد جماهیر شوروی است.

اگرچه روسیه در ابتدا بیشتر تأکیدش را در استفاده مشترک و مشاع متمرکز کرده بود، اما به دلیل سرمایه‌گذاری‌های کلان شرکت‌های نفتی غربی در سواحل جمهوری آذربایجان، فشار زیادی بر روسیه وارد شد و سرانجام در آبان 1375 یوگنی پریماکف وزیر امور خارجه وقت شوروی، پیشنهاد کرد که محدوده 45 مایلی هر کشور منطقه اختصاصی خوانده‌شده و منابع محدوده خارج از آن به صورت مشترک استفاده شود. از سوی دیگر روسیه با امضاء قراردادهای دوجانبه و چندجانبه با جمهوری‌های ساحلی به‌ویژه با قزاقستان در سال 1998 ترتیبات موجود با ایران را زیر پا گذاشته و عملاً علاقه‌مندی خود را به سیستم تقسیم نشان داده است. روسیه با توجه به شرایط اقتصادی، سیاسی، نظامی و تاریخی خود بر جمهوری‌های حاشیه دریای خزر تسلط و نفوذ بیشتری داشته و با نشان دادن حسن نیت به کشورها و شرکت‌های سرمایه‌گذار در استفاده از منابع و انرژی دریای خزر سعی می‌کند منافع قدرت‌های ذینفع و در رأس آن‌ها آمریکا را در منطقه تأمین کند. روس‌ها که در ابتدا با ایران در استفاده مشترک از دریای خزر هم‌عقیده بوده‌اند، ولی با بستن قراردادهای دوجانبه با بقیه کشورها نشان داده‌اند که همراه خوبی نبوده و تلاش دارند که ایران را نیز به همکاری بیشتر بر اساس نظرات خود جلب نمایند.

1-2- مدل‌های پیشنهادی کشورهای حاشیه دریای خزر

ایران در رژیم حقوقی جدید دریای خزر در ابتدا تأکید بیشتر بر روی استفاده مشترک و اصل مشاع را دارد و سپس تقسیم عادلانه بر اساس سهم 20 درصد را عنوان می‌کند. سیستم مشاع که بیشتر روس‌ها بر آن تأکید داشته و ایران و ترکمنستان از آن حمایت می‌کردند بیشتر در گذشته به دلیل استفاده از منابع آبی دریای خزر مطلوب به نظر می‌آمد اما در شرایط فعلی در استفاده از منابع بستر دریای خزر چندان علمی و منطقی به نظر نمی‌رسد زیرا نظارت و کنترل در اجرای طرح‌های مشترک در منابع بستر دریا و تأمین تساوی منافع کشورهای ساحلی بسیار مشکل خواهد بود. اگرچه در سیستم مشاع، روس‌ها به عنوان قدرت منطقه نفوذ و تسلط خود را همانند گذشته در دریا گسترش داده و دیگر دولت‌ها ممکن است مانند گذشته از حق طبیعی خود محروم می‌مانند؛ اما از طرف دیگر اصل تقسیم مطرح‌شده در دریای خزر به واسطه عدم رعایت اصل تساوی حقوق اعضا، شکل جغرافیایی دریای خزر و متفاوت بودن طول خطوط ساحلی دولت‌های مجاور با مسائلی مواجه است.

طرح تقسیم دریای خزر از سوی کشور جمهوری آذربایجان پیشنهاد شده است و به دلیل تأمین منافع شرکت‌های نفتی سخت‌مورد حمایت شرکت‌های غربی است. به دلیل آن‌که این طرح بیشترین زیان را به ایران می‌رساند آمریکا نیز از آن پشتیبانی می‌کند آمریکایی‌ها برای دستیابی و تسلط بر انرژی منطقه خزر، گسترش ناتو به شرق، نظامی کردن دریای خزر و فشار بر ایران تصمیمات خود را از طریق آذربایجان در منطقه عملی می‌کنند.

الزامات ژئواکونومیکی جمهوری اسلامی ایران در تدوین رژیم حقوقی دریای خزر

شکل 2 پیشنهاد کشورهای ساحلی برای تقسیم دریای خزر [4]

قزاق‌ها مفاد کنوانسیون 1982 حقوق دریاها را مبنای تفکر خود قرار داده و آن را قابل اجرا در دریای خزر می‌دانند. آن‌ها نیز طرح

تقسیم بستر دریا را مورد پذیرش قرار داده و استفاده مشترک از آب و منابع بیولوژیکی را مطرح می‌کنند. قزاق‌ها به دلیل طول سواحلشان بیشترین سهم را از طرح تقسیم دریا نصیب خود می‌کنند؛ زیرا قزاقستان به خاطر طول سواحلش 28 درصد، روسیه 18 تا 19 درصد، ترکمنستان 19 درصد و آذربایجان 21 درصد سهم می‌برند، در حالی که سهم ایران حداکثر به 13 درصد می‌رسد که در این طرح کمترین سهم عاید جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

ترکمنستان در منازعات مربوط به تعیین رژیم حقوقی دریای خزر سیاستی ملایم و محتاطانه را در پیش گرفته است. موضع این کشور در مورد رژیم حقوقی خزر به جمهوری اسلامی ایران و روسیه گرایش داشته که خواهان استفاده مشاع از دریا می‌باشند. اگرچه ترکمنستان نیز مانند آذربایجان و قزاقستان موافقت‌نامه‌هایی در خصوص استخراج و صدور با شرکت‌های غربی امضاء کرده است که قطعاً نافی اصل مشترک بودن رژیم حقوقی دریای خزر است چراکه هرگونه بهره‌برداری باید با توافق کشورهای ساحلی باشد. ترکمن‌ها بیان می‌کنند که هرگونه تلاش برای حل مسائل مربوط به دریای خزر بدون در نظر گرفتن منافع کشورهای حاشیه این دریا از نظر واقع‌بینی سیاسی دورنمایی نخواهد داشت و اتخاذ هرگونه تصمیم یک‌جانبه پیامدهای نامطلوبی را به دنبال دارد. همچنین عشق‌آباد به دلیل تعرض آذربایجان به میدان‌های نفتی ترکمنستان و عدم پیشرفت حل اختلافات در اکتبر سال 2000 میلادی از سازمان ملل درخواست کرد که به منظور پایان بخشیدن به مناقشه حول رژیم حقوقی دریای خزر اخله کند. [5]

2-2- پیشنهادهایی که در تبیین مدل پیشنهادی باید در نظر داشت:

همان‌طور که اشاره شد اصل مشاع نمی‌تواند شیوه مطلوبی برای استفاده از منابع بستر دریایی خزر ارائه کند، زیرا استفاده مشترک و نظارت بر طرح‌های بهره‌برداری از منابع بستر دریا از سوی کشورهای ساحلی چندان علمی و عملی به نظر نمی‌رسد. از طرف دیگر طرح تقسیم پیشنهادشده از سوی آذربایجان نیز منافع تمام کشورهای ساحلی را تأمین نمی‌کند چون در حالت حداکثری فقط 13 درصد از این دریای به جمهوری اسلامی ایران تعلق می‌گیرد. بر اساس تحقیقات پیشنهادهای زیر را می‌توان به منظور تعیین رژیم حقوقی دریای خزر ارائه نمود: [6]

1- برای تعیین رژیم حقوقی دریایی خزر بستر دریا بر اساس سهم 19 درصد بین کشورهای ساحلی تقسیم شود و پنج درصد باقیمانده از هر کشور یک درصد در بستر به صورت مشاع وجود داشته باشد تا در آینده با توجه به پیشرفت سریع فتاوری امکان ارتباط از طریق بستر برای کشورهای ساحلی فراهم باشد. بدنه آبی دریا بر اساس سهم 18 درصدی بین کشورهای حاشیه‌ای تقسیم‌شده و 10 درصد باقیمانده از هر کشور 2 درصد، در بخش میانی دریا به صورت مشترک و مشاع مورد استفاده قرار گیرد تا بدین ترتیب کشورهای ساحلی دریای خزر بتوانند از طریق بستر و آب باهم ارتباط داشته باشند

2- برای تعیین رژیم حقوقی دریای خزر باید منافع کشورهای ساحلی در اولویت قرار گیرد، زیرا تعیین رژیم حقوقی خزر یک امر داخلی برای کشورهای ساحلی محسوب می‌گردد و تا حد امکان از تأثیرگذاری کشورهای دیگر بر این رژیم حقوقی باید جلوگیری شود.

3- هرگونه تصمیم‌گیری در مورد رژیم حقوقی دریای خزر که تأمین‌کننده منافع کشورهای قدرتمند بیگانه باشد، به نوعی با منافع تمام یا برخی از کشورهای ساحلی منافات خواهد داشت.

4- کشورهای ساحلی باید با همکاری بیشتر و صمیمانه‌تر در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر مشارکت فعال داشته و بهانه نفوذ قدرت‌های بیگانه و سازمان‌های بین‌المللی در تعیین رژیم حقوقی خزر را منتفی سازند.

5- به تأخیر افتادن تعیین رژیم حقوقی، احساس مسئولیت کشورهای ساحلی در قبال حفاظت از محیط‌زیست دریا را کاهش داده و باعث تداوم استفاده بی‌رویه و مخرب از منابع دریای خزر خواهد شد.

6- همکاری بیشتر ایران با روسیه در کوتاه‌مدت می‌تواند در تسریع تعیین رژیم حقوقی دریای خزر مؤثر باشد.

7- استفاده از دریای خزر به شیوه مشاع به دلیل عدم تقویت حس مالکیت در کشورهای ساحلی، مسئولیت‌پذیری آن‌ها در استفاده از منابع دریا و حفاظت از آن را کاهش می‌دهد.

8- کشورهای ساحلی باید در آینده برای غیرنظامی ماندن دریا، حفظ محیط‌زیست، کاهش آلودگی، جلوگیری از صید بی‌رویه منابع بیولوژیکی، تولید و تکثیر آبزیان و کنترل نوسان آب دریا باهم مساعدت نمایند.

از زمان فروپاشی شوروی در آذرماه 1370 و در طول 25 سال گذشته، با وجود برگزاری بیش از 40 نشست کارشناسی و 3 نشست سران کشورها و امضای دو سند در زمینه همکاری‌های محیط‌زیستی و امنیتی نظامی کماکان موضوع تعیین رژیم حقوقی جامع درباره کشورهای ساحلی دریای خزر تاکنون به سرانجامی نرسیده است.

مسئله رژیم حقوقی دریای خزر در واقع تنها یک موضوع حقوقی صرف نیست بلکه شامل ابعاد درهم‌تنیده سیاسی، ژئوپلیتیکی، اقتصادی و امنیتی خاص خود است، آنچه در ظاهر مجموعه‌ای از عوامل پیچیده نظیر الزامات تصمیم‌گیرندگان هر یک از دولت‌ها (برای مثال، نقش افکار عمومی، مجالس قانون‌گذاری)، تصمیمات و خط‌مشی‌ها و تبعات آن‌ها است که بر پیچیدگی تصمیم‌گیری‌ها می‌افزاید. یکی از موضوعات اساسی مورد بحث در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر به اعتبار و قابلیت کاربرد حقوق بین‌الملل به‌ویژه در ارتباط با موضع کشورهای ساحلی در مذاکرات مربوط می‌شود. این در واقع موضوعی گسترده و تا حدودی باز با توجه به ماهیت پویای حقوق بین‌الملل، مواضع متغیر طرف‌ها و سیال بودن مذاکرات و تحولات است؛ که مورد اخیر شامل ظهور شبکه‌ای نوین از قراردادهای دوجانبه در مورد تقسیم دریای خزر می‌گردد که ممکن است وقوع ترتیبات چندجانبه راستین در زمینه ی مالکیت حقوقی این دریا را به تأخیر بیندازد. فرآیند ایجاد یک رژیم حقوقی باید برای دریای خزر به‌گونه‌ای

اجتناب‌ناپذیر از رهگذر حقوق بین‌الملل با توجه به شرایط کنونی نظام بین‌الملل حاصل آید. این فرآیند شامل اتخاذ تصمیمات معتبر و الزام‌آور با اجماع پنج کشور ساحلی بر طبق اصل فرعی انتظارات مشروع می‌گردد. با این حال، بدیهی است که این فرآیند با مشکلات جدی و فراوان روبروست که به ثمر نشستن آن در آینده نزدیک نامحتمل به نظر می‌رسد. این فرآیند ممکن است منجر به توافقی مشترک مبنی بر «منافع مشترک» گردد و یا برعکس ممکن است بی تصمیمی موجود بر اثر منافع و سلايق متضاد را تداوم بخشد.

هرگونه تلاش برای ارتباط دادن موافقت‌نامه‌های 1921 و 1940 به یک رژیم حقوقی جدید باید همراه با پذیرش این امر باشد که این موافقت‌نامه‌ها مستقیماً به موضوع مالکیت نمی‌پردازند و تنها زیرمجموعه‌ای از یک رژیم حقوقی جامع را در برمی‌گیرند. در اینجا کسب بینش‌هایی از نظریه‌ی رژیم‌ها در رشته روابط بین‌الملل می‌تواند آموزنده باشد. کوهن، یانگ و تعدادی دیگر از نظریه‌پردازان نظریه رژیم‌ها را در چارچوب نهادگرایی شرح و بسط داده‌اند. بنا به گفته کوهن «رژیم‌های بین‌المللی» نهادهایی با قواعد روشن هستند که مورد توافق دولت‌ها قرار می‌گیرند و به مجموعه خاصی از موضوعات در روابط بین‌الملل مربوط می‌گردند. [7]

نتیجه‌گیری

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر 1991، دولت‌های جدید قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان شکل گرفته در حاشیه دریای خزر در وضعیت ژئوپلیتیکی جدید برای دستیابی به منافع خود در دریای خزر به عهدنامه منعقد شده بین ایران و اتحاد شوروی در سال‌های 1921 و 1940 پایبند نبودند و خواستار تغییر و تعیین رژیم حقوقی جدیدی در دریای خزر شدند. آنچه باعث شده است که کشورهای ساحلی دریای خزر درباره تعیین رژیم حقوقی به توافق کاملی دست نیابند، بیش از آن که منحصر به سیاست‌های داخلی و منطقه‌ای باشد، مربوط به سیاست‌های فرامنطقه‌ای است. [8] کشورهای حاشیه دریای خزر با عقد پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه بین خود و کشورهای خارج از منطقه و تقسیم منافع دریا میان خود ضمن بی‌توجهی به حقوق بین‌الملل، حقوق مسلم جمهوری اسلامی ایران را هم زیر پا گذاشته‌اند. با توجه به آنچه اشاره شد دریای خزر یک موضوعی حقوقی صرف نیست، بلکه شامل ابعاد درهم‌تنیده سیاسی، ژئوپلیتیکی، اقتصادی و امنیتی است. با توجه به ماهیت پویای حقوق بین‌الملل، مواضع متغیر طرف‌ها و سیال بودن مذاکرات و تحولات اعتبار و قابلیت کاربرد حقوق بین‌الملل به‌ویژه در ارتباط با موضع کشورهای ساحلی در مذاکرات دارای اهمیت است و با توجه به اینکه کشورهای ساحلی خود با انعقاد معاهده یا موافقت‌نامه باید حاکمیت خود بر دریا را مشخص نمایند مسلم است که فرآیند تدوین رژیم حقوقی با مشکلاتی جدی و فراوان روبروست و این فرآیند ممکن است منجر به توافقی مشترک مبنی بر «منافع مشترک» گردد و یا برعکس ممکن است بی تصمیمی موجود بر اثر منافع و سلايق متضاد را تداوم بخشد. دولت جمهوری اسلامی ایران باید در جهت تامین منافع ملی با ایجاد و تشویق فضای همکاری‌های تجاری و اقتصادی، با طرح ایده‌ی تقسیم 19 درصد، با تأکید بر عدم تأثیرپذیری از قدرت‌های بیگانه در روند مذاکرات و تأکید بر حفاظت محیط‌زیست دریا کشورهای حاشیه دریای خزر را برای رسیدن به یک توافق که تأمین‌کننده منافع همه کشورهای ساحلی باشد برساند.

منابع:

[1] <http://www.mfa.gov.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=2011&newsview=419047>

[2] الزامات ژئوپولیتیکی ایران در تدوین رژیم حقوقی دریای خزر، عابد گلکرمی، منتشر شده در اندیشکده راهبردی تبیین:

<http://tabyincenter.ir/16868>

[3] <http://www.mfa.gov.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=2011&newsview=419047>

[4] احمدیپور، زهرا، 1375، ضرورت تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره 43

[5] <http://www.ghatreh.com/news/nn10246414>

[6] اقتباس از مقاله: علی پورشیخیان «رژیم حقوقی دریای خزر: مشاع، تقسیم یا استمرار همکاری‌های چند جانبه»، شمانداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره 15، تابستان 1390، ص 34-33

[7] <http://basirat.ir/fa/print/274329>

[8] امینی، غلامرضا، 1378، ص 49 دریای خزر و امنیت ملی ایران، مجموعه مقالات دومین همایش ملی صنایع دریایی،

سازمان برنامه و بودجه

منبع: پایگاه تبیین